چهارده اختر تابناک

زندگانی

حجة بن الحسن العسکری (عج)

احمد احمدی بیرجندی


بسم الله الرحمن الرحیم

چهارده اختر تابناک :بخش زندگانی حجهٔ بن الحسن العسکری (عج)

نویسنده:

احمد احمدی بیرجندی

ناشر چاپی:

آستان قدس رضوی، موسسه چاپ و انتشارات

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
چهارده اختر تابناک :بخش زندگانی حجهٔ بن الحسن العسکری (عج) ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
حضرت حجهٔ بن الحسن العسکری ----- ۶
اشاره ----- ۶
شیعیان خاص مهدی را مشاهده کردند ----- ۷
ضرورت غیبت آخرین امام ----- ۷
صورت و سیرت مهدی ----- ۸
شمشیر حضرت مهدی ----- ۹
غیبت کوتاه مدت یا غیبت صغری ----- ۹
غیبت دراز مدت یا غیبت کبری و نیابت عامه ----- ۹
اعتقاد به مهدویت در دوره های گذشته ----- ۱۰
اعتقاد به حضرت مهدی منحصر به شیعه نیست ----- ۱۰
قرآن و حضرت مهدی ----- ۱۰
طول عمر امام زمان ----- ۱۱
انتظار ظهور قائم ----- ۱۱
پاورقی ----- ۱۲
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۱۲

چهارده اختر تابناک :بخش زندگانی حجهٔ بن الحسن العسکری (عج)

مشخصات کتاب

سرشناسه : احمدی بیرجندی احمد، ۱۳۷۷ - ۱۳۰۱

عنوان و نام پدیدآور : چهارده اختر تابناک زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام تالیف احمد احمدی بیرجندی مشخصات نشر : مشهد: آستان قدس رضوی موسسه چاپ و انتشارات ۱۳۶۴.

مشخصات ظاهری : [۲۵۶] ص فروست : (موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی۱۴)

شابک : بها:۳۵۰ریال وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : چاپ نهم ۱۳۷۲؛ ۷۰۰ ریال یادداشت : چاپ دهم ۱۳۷۴؛ بهاآ: ۲۲۰۰ ریال یادداشت : چاپ هفتم ۱۳۶۹؛ بها: ۴۰۰ ریال یادداشت : چاپ هشتم ۱۳۷۱؛ بها: ۶۰۰ ریال یادداشت : عنوان روی جلد: زندگانی چهارده معصوم علیه‌السلام

یادداشت : کتابنامه ص []۲۵۶

عنوان روی جلد : زندگانی چهارده معصوم علیه‌السلام

عنوان دیگر : زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام موضوع : چهارده معصوم -- سرگذشتنامه شناسه افزوده : آستان قدس رضوی موسسه چاپ و انتشارات رده بندی کنگره : BP۳۶/۵/الف۳چ۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی : م۶۴-۱۰۴۸

حضرت حجهٔ بن الحسن العسکری

اشاره

ای حجت حق:صاحب الامری و منجی بشر مصلح کل چهره بگشای که اوضاع جهان گشت وخیمعهد کردی که گشایی گره از مشکل ما ای شه دادرس از یاد مبر عهد قدیمپرچم نصر من اللّه بر افراز و بیا که به فرمان تو گردد همه عالم تسلیمپرچم صلح و عدالت ز نو گردد بر پا پایه دین و فضیلت ز تو باید تحکیمدکتر رساولادت حضرت مهدی صاحب الزمان (ع) در شب جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری بوده است.پس از اینکه دو قرن و اندی از هجرت پیامبر (ص) گذشت، و امامت به امام دهم حضرت هادی (ع) و امام یازدهم حضرت عسکری (ع) رسید، کم کم در بین فرمانروایان و دستگاه حکومت جبار، نگرانی هایی پدید آمد. علت آن اخبار و احادیثی بود که در آنها نقل شده بود: از امام حسن عسکری (ع) فرزندی تولد خواهد یافت که تخت و کاخ جباران و ستمگران را واژگون خواهد کرد و عدل و داد را جانشین ظلم و ستم ستمگران خواهد نمود. در احادیثی که بخصوص از پیغمبر (ص) رسیده بود، این مطلب زیاد گفته شده و به گوش زمامداران رسیده بود.در این زمان یعنی هنگام تولد حضرت مهدی (ع)، معتصم عباسی، هشتمین خلیفه عباسی، که حکومتش از سال ۲۱۸ هجری آغاز شد، سامرا، شهر نوساخته را مرکز حکومت عباسی قرار داد.این اندیشه - که ظهور مصلحی پایه های حکومت ستمکاران را متزلزل می نماید و باید از تولد نوزادان جلوگیری کرد، و حتی مادران بی گناه را کشت، و یا قابله هایی را پنهانی به خانه ها فرستاد تا از زنان باردار خبر دهند - در تاریخ نظایری دارد. در زمان حضرت ابراهیم (ع) نمرود چنین کرد. در زمان حضرت موسی (ع) فرعون نیز به همین روش عمل نمود. ولی خدا نخواست. همواره ستمگران می خواهند مشعل حق را خاموش کنند، غافل از آنکه، خداوند نور خود را تمام و کامل می کند، اگر

چه کافران و ستمگران نخواهند.در مورد نوزاد مبارک قدم حضرت امام حسن عسکری (ع) نیز داستان تاریخ به گونه ای شگفت انگیز و معجزه آسا تکرار شد.امام دهم بیست سال - در شهر سامرا - تحت نظر و مراقبت بود، و سپس امام یازدهم (ع) نیز در آنجا زیر نظر و نگهبانی حکومت به سر می برد.«به هنگامی که ولادت، این اختر تابناک، حضرت مهدی (ع) نزدیک گشت، و خطر او در نظر جباران قوت گرفت، در صدد بر آمدند تا از پدید آمدن این نوزاد جلوگیری کنند، و اگر پدید آمد و بدین جهان پای نهاد، او را از میان بردارند. بدین علت بود که چگونگی احوال مهدی، دوران حمل و سپس تولد او، همه و همه، از مردم نهان داشته می شد، جز چند تن معدود از نزدیکان، یا شاگردان و اصحاب خاص امام حسن عسکری (ع) کسی او را نمی دید. آنان نیز مهدی را گاه بگاه می دیدند، نه همیشه و به صورت عادی». [۱] .

شیعیان خاص مهدی را مشاهده کردند

در مدت ۵ یا ۴ سال آغاز عمر حضرت مهدی که پدر بزرگوارش حیات داشت، شیعیان خاص به حضور حضرت مهدی (ع) می رسیدند. از جمله چهل تن به محضر امام یازدهم رسیدند و از امام خواستند تا حجت و امام بعد از خود را به آنها بنمایاند تا او را بشناسند، و امام چنان کرد. آنان پسری را دیدند که بیرون آمد، همچون پاره ماه، شبیه به پدر خویش. امام عسکری فرمود: «پس از من، این پسر امام شماست، و خلیفه من است در میان شما، امر او را اطاعت کنید، از گرد رهبری او پراکنده نگردید، که هلاک می شوید و دینتان تباه می گردد. این را هم بدانید که شما او را پس از امروز نخواهید دید، تا اینکه زمانی دراز بگذرد. بنابراین از نایب او، عثمان بن سعید، اطاعت کنید». [۲] و بدین گونه، امام یازدهم، ضمن تصریح به واقع شدن غیبت کبری، امام مهدی را به جماعت شیعیان معرفی فرمود، و استمرار سلسله ولایت را اعلام داشت. [۳] .یکی از متفکران و فیلسوفان قرن سوم هجری که به حضور امام رسیده است، ابوسهل نوبختی می باشد.باری، حضرت مهدی (ع) پنهان می زیست تا پدر بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری در روز هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری دیده از جهان فرو بست. در این روز بنا به سنت اسلامی، می بایست حضرت مهدی بر پیکر مقدس پدر بزرگوار خود نماز گزارد، تا خلفای ستمگر عباسی جریان امامت را تمام شده اعلام کنند، و یا بدخواهان آن را از مسیر اصلی منحرف کنند، و وراثت معنوی و رسالت اسلامی و ولایت دینی را به دست دیگران سپارند. بدین سان، مردم دیدند کودکی همچون خورشید تابان با شکوه هر چه تمامتر از سرای امام بیرون آمد، و جعفر کذاب عموی خود را که آماده نمازگزاران بر پیکر امام بود به کناری زد، و بر بدن مطهر پدر نماز گزارد.

ضرورت غیبت آخرین امام

بیرون آمدن حضرت مهدی (ع) و نماز گزاردن آن حضرت همه جا منتشر شد. کارگزاران و مأموران معتمد عباسی به خانه امام حسن عسکری (ع) هجوم بردند، امّا هر چه بیشتر جستند کمتر یافتند، و در چنین شرایطی بود که برای بقای حجت حق تعالی، امر غیبت امام دوازدهم پیش آمد و جز این راهی برای حفظ جان آن «خلیفه خدا در زمین» نبود؛ زیرا ظاهر بودن حجت حق و حضورش در بین مردم همان بود و قتلش همان. پس مشیت و حکمت الهی بر این تعلق گرفت که حضرتش را از نظرها پنهان نگهدارد؛ تا دست دشمنان از وی کوتاه گردد، و واسطه فیوضات ربانی، بر اهل زمین سالم ماند. بدین صورت حجت خدا، هر چند آشکار نیست، امّا انوار هدایتش از پس پرده غیبت راهنمای موالیان و دوستانش می باشد. ضمنا این کیفر کردار امت اسلامی است که نه تنها از مسیر ولایت و اطاعت امیرالمؤ منین علی (ع) و فرزندان معصومش روی برتافت، بلکه به آزار و قتل آنان نیز اقدام کرد، و لزوم نهان زیستی آخرین امام را برای حفظ جانش سبب شد.در این باب سخن بسیار است و مجال تنگ، امّا برای اینکه خوانندگان به اهمیت وجود امام غایب در جهان بینی تشیع پی برند؛ به نقل قول پروفسور هانری کربن - مستشرق فرانسوی - در

ملاقاتی که با علامه طباطبائی داشته، می پردازیم: «به عقیده من مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهیه را میان خدا و خلق، برای همیشه، نگهداشته و بطور استمرار و پیوستگی ولایت را زنده و پا بر جا می دارد... تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمّد – صلی اللّه علیه و آله و سلم – ختم شده می داند، ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل می باشد، بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می داند. رابطه ای که از اتصال عالم انسانی به عالم الوهی کشف نماید، بواسطه دعوتهای دینی قبل از موسی و دعوت دینی موسی و عیسی و محمّد – صلوات اللّه علیهم – و بعد از حضرت محمّد، بواسطه ولایت جانشینان وی (به عقیده شیعه) زنده بوده و هست و خواهد بود، او حقیقتی است زنده که هرگز نظر علمی نمی تواند او را از خرافات شمرده از لیست حقایق حذف نماید... آری تنها مذهب تشیع است که به زندگی این حقیقت، لباس دوام و استمرار پوشانیده و معتقد است که این حقیقت میان عالم انسانی و الوهی، برای همیشه، باقی و پا برجاست» [۴] یعنی با اعتقاد به امام حیّ غایب.

صورت و سیرت مهدی

چهره و شمایل حضرت مهدی (ع) را راویان حدیث شیعی و سنی چنین نوشته اند: «چهره اش گندمگون، ابروانی هلالی و کشیده، چشمانش سیاه و درشت و جذاب، شانه اش پهن، دندان هایش براق و گشاد، بینی اش کشیده و زیبا، پیشانی اش بلند و تابنده، استخوان بندی اش استوار و صخره سان، دستان و انگشتهایش درشت، گونه هایش کم گوشت و اندکی متمایل به زردی – که از بیداری شب عارض شده – بر گونه راستش خالی مشکین. عضلاتش پیچیده و محکم، موی سرش بر لاله گوش ریخته، اندامش متناسب و زیبا، هیأتش خوش منظر و رباینده، رخساره اش در هاله ای از شرم بزرگوارانه و شکوهمند غرق، قیافه اش از حشمت و شکوه رهبری سرشار. نگاهش دگرگون کننده، خروشش دریاسان، و فریادش همه گیر». [۵] .حضرت مهدی صاحب علم و حکمت بسیار است و دارنده ذخایر پیامبران است. وی نهمین امام است از نسل امام حسین (ع) اکنون از نظرها غایب است. ولیّ مطلق و خاتم اولیاء و وصی اوصیاء و قائد جهانی و انقلابی اکبر است. چون ظاهر شود، به کعبه تکیه کند، و پرچم پیامبر (ص) را در دست گیرد و دین خدا را زنده و احکام خدا را در سراسر گیتی جاری کند. و جهان را پر از عدل و داد و مهربانی کند.حضرت مهدی (ع) در برابر خداوند و جلال خداوند فروتن است. خدا و عظمت خدا در وجود او متجلی است و همه هستی او را فرا گرفته است. مهدی (ع) عادل است و خجسته و پاکیزه. ذره ای از حق را فرو نگذارد. خداوند دین اسلام را به دست او عزیز گرداند. در حکومت او، به احدی ناراحتی نرسد مگر آنجا که حدّ خدایی جاری گردد. [۶] .مهدی (ع) حق هر حقداری را بگیرد و به او دهد. حتی اگر حق کسی زیر دندان دیگری باشد، از زیر دندان انسان بسیار متجاوز و غاصب بیرون کشد و به صاحب حق باز گرداند. به هنگام حکومت مهدی (ع) حکومت جباران و مستکبران، و نفوذ سیاسی منافقان و خائنان، نابود گردد. شهر مکه – قبله مسلمین – مرکز حکومت انقلابی مهدی شود. نخستین افراد قیام او، در آن شهر گرد آیند و در آنجا به او بپیوندند... برخی به او بگویند، با دیگران جنگ کند، و هیچ صاحب قدرتی و صاحب مرامی، باقی نماند و دیگر هیچ سیاستی و حکومتی، جز حکومت حقه و سیاست عادله قرآنی، در جهان جریان نیابد. آری، چون مهدی (ع) قیام کند زمینی نماند، مگر آنکه در آنجا گلبانگ محمدی: «اشهد ان لا اله الا اللّه، و اشهد ان محمّدا رسول اللّه» بلند گردد.در زمان حکومت مهدی (ع) به همه مردم، حکمت و علم بیاموزند، تا آنجا که زنان در خانه ها با کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) قضاوت کنند. در آن روزگار، قدرت عقلی توده ها تمرکز یابد. مهدی (ع) با تأیید الهی، خردهای مردمان را به کمال رساند و فرزانگی در همگان پدید آورد...مهدی (ع) فریادرسی است که خداوند او را بفرستد تا به فریاد مردم عالم برسد. در روزگار او همگان به رفاه و آسایش و وفور نعمتی بی مانند دست یابند. حتی چهارپایان فراوان گردند و با دیگر جانوران، خوش و آسوده باشند. زمین گیاهان بسیار رویاند آب نهرها فراوان شود، گنجها و دفینه های زمین و دیگر معادن استخراج گردد. در زمان مهدی (ع) آتش فتنه ها و آشوبها بیفسرد، رسم ستم و شبیخون و غارتگری برافتد و جنگها از میان

برود.در جهان جای ویرانی نمانـد، مگر آنکه مهـدی (ع) آنجا را آباد سازد.در قضاوتها و احکام مهدی (ع) و در حکومت وی، سـر سوزنی ظلم و بیداد بر کسـی نرود و رنجی بر دلی ننشیند. [۷] .مهدی، عدالت را، همچنان که سـرما و گرما وارد خانه ها شود، وارد خانه های مردمان کند و دادگری او همه جا را بگیرد.

شمشیر حضرت مهدی

شمشـیر مهدی، «سـیف اللّه و سیف اللّه المنتقم» است. شمشیری است خدایی، شمشیری است انتقام گیرنده از ستمگران و مستکبران. شمشـیر مهـدی شمشـیر انتقـام از همه جانیـان در طـول تاریـخ است. درنـدگان متمـدن آدمکش را می کشـد، امّـا بر سـر ضـعیفان و مستضـعفان رحمت می بـارد و آنهـا را می نوازد.روزگـار موعظه و نصیحت در زمـان او دیگر نیست. پیـامبران و امامان و اولیاء حق آمدنـد و آنچه لازمه پنـد دادن بـود بجـای آورنـد. بسـیاری از مردم نشـنیدند و راه باطـل خـود را رفتنـد و حـتی اولیـاء حـق را زهر خوراندنـد و کشـتند. امّا در زمان حضـرت مهدی باید از آنها انتقام گرفته شود.مهدی (ع) آن قدر از سـتمگران را بکشد که بعضـی گوینـد: این مرد از آل محمّـد (ص) نیست. امّا او از آل محمّـد (ص) است یعنی از آل حق، آل عـدالت، آل عصـمت و آل انسانیت است.از روایات شـگفت انگیزی که مورد حضرت مهدی (ع) آمده است، خبری است که از حضرت امام محمّد باقر (ع) نقل شده و مربوط است به ۱۲۹۰ سال قبل. در این روایت حضـرت باقر (ع) می گوینـد:«مهدی، بر مرکبهای پر صدایی، که آتش و نور در آنها تعبیه شـده است، سوار می شود و به آسـمانها، همه آسـمانها سـفر می کنـد».و نیز در روایت امام محمّد باقر (ع) گفته شده است که بیشتر آسـمانها، آباد و محل سـکونت است. البته این آسـمان شناسی اسلامی، که از مکتب ائمه طاهرین (ع) استفاده می شود، ربطی به آسمان شناسی یونانی و هیئت بطلمیوسی ندارد... و هر چه در آسمان شناسی یونانی، محدود بودن فلک ها و آسمانها و ستارگان مطرح است، در آسـمان شناسـی اسلامی، سخن از وسعت و ابعاد بزرگ است و ستارگان بی شمار و قمرها و منظومه های فراوان. و گفتن چنین مطالبی از طرف پیامبر اکرم (ص) و امام باقر (ع) جز از راه ارتباط با عالم غیب و علم خدایی امکان نداشته است. [۸] .

غیبت کوتاه مدت یا غیبت صغری

مـدت غیبت صـغری بیش از هفتـاد سـال بطول نینجامیـد (از سال ۲۶۰ ه تـا سال ۳۲۹ ه) که در این مـدت نایبـان خـاص، به محضـر حضـرت مهدی (ع) می رسـیدند، و پاسخ نامه ها و سؤ الات را به مردم می رساندند. نایبان خاص که افتخار رسـیدن به محضـر امام (ع) را داشـته انـد، چهار تن می باشـند که به «نواب خاص» یا «نایبان ویژه» معروفنـد.۱ - نخستین نـایب خاص مهـدی (ع) عثمان بن سعید اسدی است. که ظاهرا بعد از سال ۲۶۰ هجری وفات کرد. و در بغداد به خاک سپرده شد. عثمان بن سعید از یاران و شاگردان مورد اعتمـاد امام دهم و امام یازدهم بود و خود در زیر سایه امامت پرورش یافته بود.۲ - محمّد بن عثمان: دومین سفیر و نایب امام (ع) محمّد بن عثمان بن سـعید فرزند عثمان بن سعید است که در سال ۳۰۵ هجری وفات کرد و در بغداد به خاک سپرده شد. نیابت و سـفارت محمّد بن سعید نزدیک چهل سال به طول انجامید.۳ - حسـین بن روح نوبختی: سومین سفیر، حسین بن روح نوبختی بود که در سال ۳۲۶ هجری فوت کرد.۴ - علی بن محمّد سمری: چهارمین سفیر و نایب امام حجة بن الحسن (ع) است که در سال ۳۲۹ هجری قمری درگذشت و در بغداد دفن شد. مدفن وی نزدیک آرامگاه عالم و محدث بزرگ ثقة الاسـلام محمّد بن یعقوب کلینی است.همین بزرگان و عالمان و روحانیون برجسته و پرهیزگار و زاهد و آگاه در دوره غیبت صغری واسطه ارتباط مردم با امام غایب و حل مشکلات آنها بوسیله حضرت مهدی (ع) بودند.

غیبت دراز مدت یا غیبت کبری و نیابت عامه

این دوره بعد از زمان غیبت صغری آغاز شد، و تاکنون ادامه دارد. این مدت دوران امتحان و سنجش ایمان و عمل مردم است.در زمان نیابت عامه، امام (ع) ضابطه و قاعده ای به دست داده است تا در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه و قاعده، در همه ابعاد بر او صدق کند، نایب عام امام (ع) باشد و به نیابت از سوی امام، ولی جامعه باشد در امر دین و دنیا.بنابراین، در هیچ دوره ای پیوند امام (ع) با مردم گسیخته نشده و نبوده است. اکنون نیز، که دوران نیابت عامه است، عالم بزرگی که دارای همه شرایط فقیه و دانای دین بوده است و نیز شرایط رهبری را دارد، در رأس جامعه قرار می گیرد و مردم به او مراجعه می کنند و او صاحب «ولایت شرعیه» است به نیابت از حضرت مهدی (ع). بنابراین، اگر نایب امام (ع) در این دوره، حکومتی را درست و صالح نداند آن حکومت طاغوتی است، زیرا رابطه ای با خدا و دین خدا و امامت و نظارت شرعی اسلامی ندارد. بنابر راهنمایی امام زمان (عجل اللّه فرجه) برای حفظ و انتقال موجودیت تشیع و دین خدا، باید همیشه عالم و فقیهی در رأس جامعه شیعه قرار گیرد که شایسته و اهل باشد، و چون کسی - با اعلمیت و اولویت - در رأس جامعه دینی و اسلامی قرار گرفت باید مجتهدان و علمای دیگر مقام او را پاس دارند، و برای نگهداری وحدت اسلامی و تمرکز قدرت دینی او را کمک رسانند، تا قدرتهای فاسد نتوانند آن را متلاشی و متزلزل کنند.گرچه دوری ما از پناهگاه مظلومان و محرومان و مشتاقان - حضرت مهدی (ع) - بسیار دردآور است، ولی بهر حال - در این دوره آزمایش - اعتقاد ما اینست که حضرت مهدی (ع) به قدرت خدا و حفظ او، زنده است و نهان از مرم جهان زندگی می کند، روزی که «اقتضای تام» حاصل شود، ظاهر خواهد شد، و ضمن انقلابی پر شور و حرکتی خونین و پر دامنه، بشریت مظلوم را از چنگ ظالمان نجات خواهد داد، و رسم توحید و آیین اسلامی را عزت دوباره خواهد بخشید.

اعتقاد به مهدویت در دوره های گذشته

اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی در دینهای دیگر مانند: یهودی، زردشتی، مسیحی و مدعیان نبوت عموما، و دین مقدس اسلام، خصوصا، به عنوان یک اصل مسلم مورد قبول همه بوده است.

اعتقاد به حضرت مهدی منحصر به شیعه نیست

عقیده به ظهور حضرت مهدی (ع) فقط مربوط به شیعیان و عالم تشیع نیست، بلکه بسیاری از مذاهب اهل سنت (مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی و...) به این اصل اعتقاد دارند و دانشمندان آنها، این موضوع را در کتابهای فراوان خود آورده اند و احادیث پیغمبر (ص) را درباره مهدی (ع) از حدیثهای متواتر و صحیح می دانند. [۹] .

قرآن و حضرت مهدی

در قرآن کریم درباره حضرت مهدی و ظهور منجی در آخرالزمان و حکومت صالحان و پیروزی نیکان بر ستمگران آیاتی آمده است از جمله: «ما در زبور داوود، پس از ذکر (تورات) نوشته ایم که سرانجام، زمین را بندگانشایسته ما میراث برند و صاحب شوند». [۱۰] .حضرت امام محمّد باقر (ع) درباره «بندگان شایسته» فرموده است:منظور اصحاب حضرت مهدی در آخرالزمان هستند.و نیز: «ما می خواهیم تا به مستضعفان زمین نیکی کنیم، یعنی: آنان را پیشوایان سازیم و میراث برای زمین». [۱۱] .«بسم اللّه الرحمن الرحیم. انا انزلناه فی لیلهٔ القدر...» ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم، تو شب قدر را چگونه شبی می دانی؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است. در آن شب، فرشتگان و روح (جبرئیل) به اذن خدا، همه فرمانها و سرنوشتها را فرود می آورند. آن شب، تا سپیده دمان، همه اسلام است و سلامت.چنانکه از آیه های «سوره قدر» به روشنی فهمیده می شود، در هر سال شبی هست که از هزار ماه به ارزش و فضیلت برتر است. آنچه از احادیثی که در تفسیر این سوره، و تفسیر آیات آغاز سوره دخان فهمیده می شود،

این است که فرشتگان، در شب قـدر، مقدرات یک ساله را به نزد «ولی مطلق زمان» می آورند و به او تسلیم می دارند. در روزگار پیامبر اکرم (ص) محل فرشتگان در شب قدر، آستان مصطفی (ع) بوده است.هنگامی که در شناخت قرآنی، به این نتیجه می رسیم که «شب قـدر» در هر سال هست، بایـد توجه کنیم پس «صاحب شب قدر» نیز باید همیشه وجود داشته باشد وگرنه فرشتگان بر چه کسی فرود آیند؟ پس چنانکه «قرآن کریم» تا قیامت هست و «حجت» است، صاحب شب قدر هست و همو «حجت» است. «حجت» خدا در این زمان جز حضرت ولی عصر (ع) کسی نیست.چندانکه حضرت رضا علیه السلام می فرماید: «امام، امانتدار خداست در زمین، و حجت خداست در میان مردمان، و خلیفه خداست در آبادیها و سرزمینها...».فیلسوف معروف و متکلم بزرگ و ریاضی دان مشهور اسلامی، خواجه نصیرالدین طوسی می گوید:«در نزد خردمندان روشن است که لطف الهی منحصر است در تعیین امام (ع) و وجود امام به خودی خود لطف است از سوی خداونـد، و تصرف او در امور لطفی است دیگر، و غیبت او، مربوط به خود ماست. [۱۲].

طول عمر امام زمان

درازی عمر امام (ع) با در نظر گرفتن عمرهای درازی که قرآن بدان ها گواهی می دهد، و در کتابهای تاریخی نیز افراد معمر (دارای عمر دراز) زیاد بوده انـد، و در گذشته و حال نیز چنین کسانی بوده و هستند، عمر زیاد حضرت مهدی (ع) به هیچ دلیلی محال نیست، بلکه از نظر عقلی و دید وسیع علمی و امکان واقع شدن به هیچ صورت بعید نیست. از اینها گذشته اگر از نظر قدرت الهی، بدان نظر کنیم، امری ناممکن نیست. در برابر قدرت خدا - که بر هر چیز تواناست - عمرهایی مانند عمر حضرت نوح (ع) و عمر بیشتر از آن حضرت و یا کمتر از کاملا- امکان دارد. برای خدا قدیر و حکیم، کوچک و بزرگ، کم و بسیار، همه و همه مساوی است. بنابراین حکمت کامل و بالغ او، تا هر موقع اقتضا کند بنده خود را در نهایت سلامت زنده نگاه می دارد.پس طبق حکمت الهی، امام دوازدهم، مهدی موعود (ع) بایـد از انظار غایب باشـد و سالها زنـده بمانـد و رازدار جهان و واسطه فیض برای جهانیان باشد تا هر وقت خدا اراده کند ظاهر گردد، و عالم را پس از آنکه از ظلم و جور پر شده، از قسط و عدل پر کند.

انتظار ظهور قائم

بر خلاف آنان که پنداشته اند انتظار ظهور یعنی دست روی دست گذاشتن و از حرکتهای اصلاحی جامعه کنار رفتن و فقط «گلیم» خود را از آب بیرون بردن، و به جریانات اسلام دینی و اجتماعی بی تفاوت مانـدن، هرگز چنین پنـداری درست نیست... بر عکس، انتظار یعنی در طلب عدالت و آزادگی و آزادی فعالیت کردن و در نپـذیرفتن ظلـم و باطل و بردگی و ذلت و خواری، مقاومت کردن و در برابر هر ناحقی و ستمی و ستمگری ایستادن است.«مجاهدات خستگی ناپذیر و «فوران های خونین شیعه» در طول تاریخ، گواه این است که در مکتب، هیچ سازشی و سستی راه ندارد. شیعه در حوزه «انتظار» یعنی، انتظار غلبه حق بر باطل، و غلبه داد بر بیداد، و غلبه علم بر جهل، و غلبه تقوا بر گناه، همواره آمادگی خود را برای مشارکت در نهضتهای پاک و مقدس تجدید می نماید، و با یاد تاریخ سراسر خون و حماسه سربازان فداکار تشیع، مشعل خونین مبارزات عظیم را بر سر دست حمل می کند».اینکه به شیعه دستور داده اند که به عنوان «منتظر» همیشه سلاح خود را آماده داشته باشد، و با یاد کردن نام «قائم آل محمّد (ص)» قیام کند ناشی از همین آمادگی است. ناشی از همین قیام و اقدام است.پایان این بحث را از نوشته زنده یاد آیهٔ اللّه طالقانی، عالم مبارز اسلامی بهره می بریم که می گویـد:«... توجه دادن مردم بـه آینـده درخشان و دولت حق و نویـد دادن به اجرای کامل عدالت اجتماعی، و تأسیس حکومت اسلام و ظهور یک شخصیت خدا ساخته و بارز، که مؤ سس و سرپرست آن حکومت و دولت است، از تعالیم مؤ سس ادیان است، و در مکتب تشیع، که مکتب حق اسلام و حافظ اصلی معنویات آن است، جزء عقیده قرار داده شده...

و پیروان خود را به انتظار چنین روزی ترغیب نموده، و حتی انتظار ظهور را از عبادات دانسته اند، تا مسلمانان حق پرست، در اثر ظلم و تعدی زمامداران خودپرست و تسلط دولتهای باطل، و تحولات اجتماعی و حکومت ملل ماده پرست، اعم از شرقی و غربی، خود را نبازند و دل قوی دارند و جمعیت را آماده کنند.و همین عقیده است که هنوز مسلمانان را امیدوار و فعال نگاه داشته است، این همه فشار و مصیبت از آغاز حکومت دودمان دنائت و رذالت اموی، تا جنگهای صلیبی و حمله مغول، و اختناق و تعدیهای دولتهای استعماری، بر سر هر ملتی وارد می آمد، خاکسترش هم به باد فنا رفته بود. لیکن دینی که پیشوایان حق آن دستور می دهند که چون اسم صریح «قائم» مؤ سس دولت حقه اسلام برده می شود، بپا بایستید و آمادگی خود را برای انجام تمام دستورات اعلام کنید، و خود را همیشه نیرومند و مقتدر نشان دهید، هیچ وقت، نخواهد مرد... [۱۳] .

پاورقی

[۱] خورشید مغرب، محمّد رضا حکیمی، ص ۲۱ و ۲۲ (مشخصات در مأخذ بیاید).

[۲] خورشید مغرب، ص ۲۴ به نقل از ««منتخب الا ثر»» ص ۳۵۵.

[۳] خورشید مغرب، ص ۲۴ به نقل از ««منتخب الا ثر»» ص ۳۵۵.

[۴] مکتب تشیع، سالنامه ۲ (اردیبهشت ۱۳۳۹ ه ش)، مصاحبات استاد علامه طباطبائی با پروفسور هانری کربن فرانسوی درباره شیعه، ص ۲۰ - ۲۱.

[۵] خورشید مغرب، ص ۳۲، ۳۴، با تلخیص و اندک تغییر.

[۶] خورشید مغرب، ص ۳۲، ۳۴، با تلخیص و اندک تغییر.

[۷] مآخذ قبل، به نقل از «(المهدی الموعود)» با تلخیص و اندک تغییر.

[۸] ر.ک: خورشید مغرب، ص ۴۶ به بعد.

[۹] رجوع کنید: خورشید مغرب، از ص ۷۶ به بعد.

[۱۰] سوره نساء آیه ۱۰۵.

[۱۱] سوره قصص آیه ۵ - در قرآن کریم آیات دیگری نیز آمده است. ر.ک: خورشید مغرب از ص ۱۴۰ به بعد.

[۱۲] مأخذ قبل ص ۱۹۵.

[۱۳] خورشید مغرب، محمّد رضا حکیمی ص ۳۳۸، به نقل از مجله «مجموعه حکمت» شماره ۱ و ۲ و سال ۳. مطالب این فصل از کتاب بسیار پر ارزش «خورشید مغرب» به اختصار نقل شده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

